



توسعه میان افزا استراتژی به حداکثر رساندن استفاده از زمین در جهت اجرای توسعه پایدار

ملیحه نیک نیا^۱، الهام عباسی^۲

کارشناسی ارشد طراحی و برنامه ریزی شهری و منطقه ای، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی و موسسه آموزش عالی خاوران

پست الکترونیکی: niknia_159@yahoo.com

دانشجوی کارشناسی شهرسازی، موسسه آموزش عالی خاوران

پست الکترونیکی: e.abbaasi@yahoo.com

چکیده:

رشد فزاینده جمعیت شهرنشین و اسکان بیش از ۶۰ درصد جمعیت جهان در شهرها و تداوم این روند، آینده ی کره زمین را بیشتر با چشم اندازهای شهری مواجه می کند. این فضاهاى برگزیده تا سال ۲۰۲۵ میلادی افزون بر ۵ میلیارد نفر جمعیت خواهند داشت که بیش از ۷۵ درصد جمعیت جهان را در خود جای خواهند داد. این فرایند عظیم شهرنشینی ضمن توسعه ی کالبدی شهرها، باعث از بین بردن زمینهای کشاورزی و تحمیل هزینه های غیرقابل جبرانی بر محیط زیست شهرها شده است. جهت نیل به توسعه پایدار در سکونتگاهها و مدیریت خردمندانانه زمین، نیازمند برنامه ریزی جهت مقابله با مشکلات ناشی از رشد جمعیت و در پی آن گسترش نامنظم و بی قاعده مراکز سکونتی بویژه در شهرها هستیم برای جوابگویی به افزایش روز افزون جمعیت، میتوان به جای اشغال زمین هایی که دست نخورده و به اشکال طبیعی خود باقی مانده است، از ظرفیت بافت های شهری استفاده نمود. رویکرد توسعه میان افزا (توسعه درون زا) مفهومی نوین را ارائه می دهد که بر اساس آن اصلاح، بهبود و مداخلات درون شهری در خدمت توسعه قرار می گیرد و بدین صورت مفهوم اصلاح و بهبود با توسعه در می آمیزد

شهرهای موجود کشور از طریق توسعه درونی تا سالیان زیادی می توانند پاسخگوی بسیاری از نیازها از جمله اسکان سرریز جمعیت شهری و ارتقای سرانه های خدمات شهری باشند و مادامی که در درون شهر موجود ظرفیت لازم وجود دارد، استفاده از سایر سیاست های توسعه شهری هزینه اضافی بر مردم و دولت تحمیل میکند، که این به لحاظ علمی و عقلی مردود است.

لذا این مقاله بر آن است که به تبیین مفهوم ساختار های میان افزای شهری، شاخص های ارزیابی آن در جهت نیل به توسعه پایدار شهری بپردازد.



واژه های کلیدی: توسعه میان افزا، ظرفیت های درون شهری، توسعه گسترده، توسعه پراکنده، توسعه پایدار

مقدمه

توسعه میان افزا به عنوان یکی از ابزارهای اصلی رسیدن به توسعه ای پایدار، شناخته شده است؛ زیرا دلیل اصلی برای پیدایش زمین متروکه، تغییر ساختار اقتصادی و کاهش صنایع قدیمی، پایین آمدن کیفیت مسکن در این بافتها و در نهایت متروکه شدن این زمینهاست که در تقابل با توسعه پایدار قرار می گیرد. وجود این سایتهای متروکه و بلا استفاده، تأثیرات نامطلوب محیطی و بصری دارد و باید بیشتر مورد توجه برنامه ریزان و سیاست گذاران شهری قرار گیرد، زیرا توسعه آینده شهر می تواند درون این بافتها صورت گیرد. حومه های شهری و به خصوص توسعه کاربریهای مختلف شهری در این مناطق، باعث پیشرفت استفاده از زمین های حومه شهری در توسعه می شود که خود منجر به ایجاد فضاهای بلا استفاده درون بافت مرکزی شهر می شود. در صورتی که میتوان از فضای باز این سایتها در جهت بهبود کمبود مسکن، اقتصاد خرده فروشی و صنایع دستی در جهت جذب جمعیت گردشگر استفاده نمود. در واقع باید این دیدگاه به وجود آید که محیط ساخته شده پایدار در شهرها زمانی به وجود می آید که توسعه مجدد در سایت های شهرها مورد توجه قرار گرفته و در برنامه های توسعه شهر برای رسیدن به توسعه پایدار در این سایتها، سیاستهایی گذارده شود که در جریان توسعه، قابلیت تحقق داشته باشد. در این رابطه، سه جنبه حفاظت زیست محیطی، برنامه ریزی برای کاربری زمین و سیاستهای اقتصادی باید در فرایند توسعه میان افزا در نظر گرفته شود. (رضوی زاده، ۱۳۸۶ : ۳۸)

توسعه از درون بر خلاف سایر سیاست های توسعه شهری با توجه به اینکه در بستر موجود و با حضور ساکنان و شهروندان و واحد های همسایگی صورت می پذیرد موضعی پیچیده، چند وجهی، میان بخشی و حتی فرا بخشی است، که نه فقط یک کار فیزیکی، کالبدی و شهرسازی است بلکه دارای ابعاد قوی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی نیز هست. در توسعه درونی شهرها به جای گسترش افقی، شهر به صورت عمودی گسترش می یابد و بافت های قدیمی، فرسوده و ناکارآمد شهری احیا، بهسازی و نوسازی می شوند و اراضی بایر ورها شده شهری به کار گرفته می شوند. کاربری های نامتناسب و نامناسب با زندگی امروزین نظیر زندان ها، پادگان های نظامی، کارخانجات و صنایع مزاحم در درون شهر اصلاح میشود. بدین ترتیب سطح معابر و شبکه های دسترسی، سطح فضای سبز و ... به استاندارد های شهرسازی نزدیک می شود. (آیینی، ۱۳۸۸ : ۴۸)